بررسی مضمون روایت «أ ما یعلمون انه انما یقتل السفیانی»

- محوریت کلمه «انما» در ترجیح «یُقتل»

محوریت کلمه «انما» در ترجیح «یُقتل»

این حدیث اول هم مضمون جالبی دارد. معلی می‌گوید:

> **«ذهبت بكتاب عبد السلام بن نعيم و سدير وكتب غير واحد إلى أبي عبد الله عليه‌السلام حين ظهرت المسودة قبل أن يظهر ولد العباس».**

شاگرد: در نرم‌افزار «مُسَوَّدة» ضبط کرده است.

استاد: بله، آن درست است. ابومسلم خراسانی است.

«بأنا قد قدّرنا أن يئول هذا الأمر إليك فما ترى»؛ اوضاع اجتماعی عظیمی بود. بنی امیه و بنی مروان از بین رفته بودند. اوّلی که ابومسلم خروج کرد، شعارش «الرضا من آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله». به گمانم علامه طباطبایی هم در کتاب شیعه در اسلام[1] آورده بودند.

ایشان به نظرم از تاریخ یعقوبی[2] نقل کرده بودند. خودش نزد حضرت آمد و گفت: منظورم از «الرضا من آل محمد» شما بودید. حضرت جواب دادند نه، [«لستُ بصاحبكم، فإن صاحبكم بأرض الشراة»].

«قال فضرب بالكتب الأرض ثم قال أف أف ما أنا لهؤلاء بإمام أما يعلمون أنه إنما يقتل السفياني»؛ «یَقتل السفیانی یا یُقتل السفیانی»؟ مرحوم مجلسی دو احتمال دادهاند؛

> **قوله عليه‌السلام: «إنما يقتل السفياني» أي أما يعلمون أن القائم يقتل السفياني الخارج قبله كما يظهر من كثير من الأخبار أنه عليه‌السلام يقتله، أو أما يعلمون أن من علامات ظهور دولة أهل البيت قتل السفياني قبل ذلك ، والسفياني لم يخرج ، ولم يقتل بعد فكيف يصح لنا الخروج والجهاد.[3]**

ببینید از آن اوّلی که من این روایت را دیدم، «یُقتل السفیانی» به ذهنم آمد. خواندم: «انما یُقتل السفیانی». یک بار هم احتمال «یَقتل» در ذهنم نیامد. الآن هم تیک اعراب نرم‌افزار را گذاشتم و دیدم آنها «یَقتل» ثبت کرده‌اند. «اما یعلمون انما یقتل السفیانی»؛ یعنی صاحب الامر عج. مرحوم مجلسی هم اولین احتمال را همین دادند که حضرت او را می‌کشد. بعد احتمال دوم را فرموده‌اند.

علی ای ّحال بحث حدیثی است؛ کدام یک از اینها اولویت دارد؟ با اینکه اینها را دیدم در ذهنم احتمال اوّل راجح است. چرا «یَقتل» نیست؟ اوال ً عبارت را ببینید: «اما یعلمون» چه استفهامی است؟ استفهام انکاری است! یعنی حضرت میخواهند بگویند آنها نمیدانند؟! استفهام تقریری است. یعنی همه آنها این را میدانند. نه اینکه علم آنها را انکار کنیم.

شاگرد: اگر همزه انکار باشد، «ما یعلمون» هم مثبت میشود. یعنی میدانند.

استاد: انکار نفی؟ استفهام انکاری به این صورت نبود. استفهام انکاری انکار مسئول به بود.

شاگرد: اگر در «ما یعلمون» ما نافیه باشد، آن وقت مثبت میشود.

شاگرد۲: در استفهام انکاری میخواهد یک مسأله را باطل کند.

شاگرد: میخواهد «ما یعلمون» را ابطال کند.

استاد: نمیخواهد آن را ابطال کند، میخواهد تقریر بگیرند که شما میدانید. الآن حضرت میخواهند یک چیزی را بگویند که آنها همه میدانند. هم آن چه که میدانند درست است و هم اینکه میدانند درست است. علی ای حال شما یک استفهام تقریری مثال بزنید.

شاگرد: «**أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى**»[4] اگر ابطالی باشد، به چه معنا است؟

استاد: آیه انکاری است؟! صحبت سر تعریفی است که در کنار تقریری میگویید. اذا اجتمعا افترقا. اگر فقط انکاری را گفته بودید و اینها را به آن برگردانید ما حرفی نداریم. اما میگویید ما دو جور استفهام داریم؛ استفهام انکاری و تقریری. وقتی کنار هم میخواهید مثال بزنید، «ما یعلمون» جزء تقریری ها میشود یا انکاری؟ علی ای ّحال اگر استفهام انکاری بگیریم یا تقریری در مقصود حضرت هیچ فرقی نمیکند. حضرت میخواهند بفرمایند هم میدانند و هم دانستنی است که درست است و هیچ مشکلی ندارد.

خب الآن «أ ما یعلمون انه انما یقتل السفیانی»؛ این «انه» یعنی حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام؟ اسمی از ایشان در روایت نبوده است. در اینجا ضمیر شان مناسب است. اگر هم ضمیر به حضرت برمیگشت، دیگر «انما» نمی خواست. «أ ما یعلمون انه یَقتل السفیانی» بود و تمام. «انه انما یَقتل السفیانی» غلط نیست ولی نیازی نیست. وقتی ضمیر شان است، برای حصر آن «انما» خیلی پر رنگ میشود. «أ ما یعلمون ان الشأن انما یُقتل السفیانی». چرا «یُقتل» را عرض میکنم؟ نکته ی مهمی در بحث داریم.

---

[1] شیعه در اسلام، ج ۱، ص ۵۴

[2] تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۴۹

[3] مرآة العقول نویسنده : العلامة المجلسي جلد : ۲۶ صفحه : ۴۸۲

[4] علق۱۴